

در هفت گدشته طلعه حالاتی در روزنامه جمهوری اسلامی ( ۵ مقاله از یکشنبه ۲۸ شهریور تا پنجشنبه اول مهرماه ) انتشار یافت که درج آنها را شاید بتوان "واحه" مهم هفت نامید . به این دلیل که پس از مدت‌ها در این روزنامه ارگان مرکزی حزب حاکم به ضرورت تحریک انقلاب ، ضرورت خارج کردن مسائل و مشکلات مسئله کشور و "انقلاب" از "انجام" و "بلاتکلیفی" توجه شده است .

رغباتی که این طلعه مقالات را خواندماند ، بی‌شک توجه گردماند که آنها در مواردی حالتی از امرای و در موارد دیگر حالتی از اسباب و بطور کلی حالتی از تاضیف کویستی هستند و نیز طرق منحصر را برای حل مسائل بدست نمی‌دهند . در آنها همچنین ضابطه تشخیص و تمکیک نیروهای انقلابی از نیروهای ضدانقلابی و دوستان و دشمنان انقلاب ( چه داخلی و چه خارجی ) مشخص نشده است ولی در آنها هشدار داده شده است که انقلاب بحرط‌های رسیده که مسائل مسئله کشور باید از بلاتکلیفی و اسباب خارج شود و این توجه و هشدار از سوی ارگان مرکزی حزب حاکم ، خود مهم است .

روزنامه مرحله‌های را که انقلاب بدان رسیده مرحله بلوغ می‌داند که "از این به بعد نمی‌توان پذیرفت تکلیف مدیریتتها ، شوها ، انجمن‌های اسلامی زمین منگن ، صنایع ، کشاورزی ، توزیع ، احکام ، گرانروشی ، هیات خدمت .... روشن نشده همچنان مهم باقی بماند و مسائل بسیار مهمی از قبیل انقلاب فرهنگی ، لایحه بازگویی و سازمان اطلاعاتی در گفتی و نوس طلعهها شماره چهار امیام و رکود و نسبان باشند . . . . انقلاب در این مرحله پیش از هر چیز به سیاستگذاری ( مقاومت منظور همین شی سیاسی است ) و برنامه‌ریزی همچنانبه نیاز دارد . . . . اگر امروز ( مسئولی گفتی ) برای ( انجام ) این مهم اقدام نکنند ، پشیمان فرود آید است . . . . اگر برخوردها ( در نظام جمهوری اسلامی ایران ) سالم نباشد ، انقلاب سپهر خود را کم کرده و به بیراهه گشاده خواهد شد . . . . حتما باید حدود وظایف و اختیارات همه ارگانها ، نهادها ، انجمنها ، مدیریتتها . . . براساس قانون و کمال شخصی شود . . . ( اگر ) آنچه لازمه این مرحله انقلاب است دلگیا در زمان خود انجام نگردد و بیسم آن می‌رود ، آنچه بعدا انجام خواهد شد چیزی شبیه "نوشه‌ی بعد از مرگ سپهر" باشد .

در مجموع برطالع‌نویس روزنامه جمهوری اسلامی از "کنشک طلعهها" یعنی سازه "خطها" از فقدان "ضابطهها" یا "چارچوب" برخوردار است . از نامشخص بودن حدود وظایف و اختیارات ارگان‌های دولتی و نهادها ، از اینکه مسائل مهم چهار رگود شده‌اند ، از اینکه قانون حکمفرما نیست اظهار نگرانی می‌کند و بحق اظهار نگرانی می‌کند .

درواقع نیز مسائل مهم و سرنوشت‌ساری که حل آنها برعهده انقلاب یعنی حاکمیت انقلابی قرار دارد ، دچار رکود هستند از جمله مسئله زمین ، مسئله مالکیت مسئله دولتی کردن بازگویی خارجی ، مسئله نظارت دولت بر بازگویی داخلی مسئله بازگویی دانشگاهها ، مسئله بیکاری ، مسئله گرانی مسئله آزادیهای سیاسی برای احزاب و سازمانهای سیاسی طرفدار انقلاب ، مسئله آزادی تشکلهای جنبی برای زحمتکشان ، مسائل مربوط به هیات خارجی مسئله منگن والی آجر .

این مسائل مهم در کدام جهت باید "حل" شوند ؟ پاسخ روشن است در جهت "حیطهها" یعنی در انقلاب یعنی در جهت تامین حقوق زحمتکشان و محرومان ، کوخشنبان ، بیندستان و برخلاف جهت فارتگری سرمایه‌داران و زمینداران و فئودالها و خانها ، در جهت آزادیهای سیاسی و اجتماعی برای همه نیروهای انقلابی نه در جهت انحصارطلبی ، نه در جهت کسب استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ، نه در جهت بازگویی "بهره" و "دریجه" برای حفظ و گسترش وابستگی به امپریالیسم . آیا در شرایط کنونی می‌توان در این "حیطه" مسائل را حل کرد ؟ آری می‌توان ، چرا می‌توان ؟ برای اینکه توده‌های میلیونی مردم خواستار اند ، برای اینکه طایفه تمام گارتکشی‌ها و خرابکاری‌های طیف جبهه متحد ضدانقلابی ، ملیرقم تمام ناراضی‌تراشی‌ها از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان انقلاب ، هنوز توده‌های میلیونی مردم ، بی‌تفاوت "نشدماند" ، سرخورده "نشدماند" هنوز امیدوارند هنوز پشتیبان انقلابند ، هنوز تناسب تراسی نیروهای انقلابی و دوستان و مخالفان برآیند به سود انقلاب است . مهمترین "مندی" که در اقباله این واقعه‌یستی توان لرازه داد ، جاننازی و مداکاریسی درخ مردم زحمتکشی در جنگ تحمیلی است .

از سوی دیگر نیروهای "خطامام" در حاکمیت عمدتا به ضرورت مردم حیل تمام مسائل مهم مسئله انقلاب و کشور می‌پردماند ، آنها می‌خواهند و طرفیبه این را دارند ، که با اتکا به نیروی توده‌های ، همیا میلیونی مردم ، مسائل انقلاب را حل کنند و انقلاب را به پیش برند . ( نقل قولهایی که در زمینه‌های مختلف از سخنان پیروان خطامام در بولتن‌های گذشته آورده‌ام حاکی از این واقعه‌یست ) ولی همچنانکه ما بارها گفته‌ام اگر انقلاب به حرکت پیشبرنده خودادامه ندهد ، واپس می‌نشیند ، انقلاب توقف‌پذیر نیست . انقلاب باید درامداد جهت اهداف خود حرکت کند مردمی که انقلاب گردماند باید به گفته رئیس‌جمهور خانهای "جبری" از انقلاب بدست آورند و اگر بدست‌نیابند و برای مدت درازی بدست نیابند ، از انقلاب و از حاکمیتی که مگان انقلاب را بدست گرفتاست مایوس می‌شوند و در این زمان است که به نوشته روزنامه جمهوری

دیگرانتلاش برای جریان یافتن بحثابه "نوشه‌ی دارو بعد از مرگ سپهر" خواهد بود . پرتاسس حرکت پیشبرنده انقلاب به سوی اهدافش در استقلال ، آزادی و

عدالت اجتماعی ضرورت مردم است که انجام آن را نمی‌توان و نباید به تعویق انداخت . برای تحقق این امر به نظر ما از یک سوی نیروهای پیرو خطامام در حاکمیت وظیفه دارند که با قاطعیت بیشتر عمل کنند ، مقاومت‌های مخالفان را با جسارت بیشتری بشکنند ، گام‌های مجدانه محصلطلبی در زمینه‌های مهمی نظیر اصلاحات بنیادین ارضی به خود مستمعان روستا ، خارج کردن لایحه دولتی کردن بازگویی خارجی از "مخای" و اجرای آن ، مهارگرانی از طریق برقراری نظارت دولتی بر بازگویی داخلی و در زمینه‌های ضروری دیگر برآوردند از سوی دیگر نیروهای سیاسی انقلابی در جامعه از جمله سازمان ما وظیفه دارند که کوره انقلاب را گرم نگاهدارند ، از نفوذ پاس و نوسیدی در توده‌های مردم جلوگیری کنند ، بکشند که مردم را در صحنه انقلاب نگاهدارند ، به آنها تعلیم کنند ، نیروی حاد بین نیروهای هوادار انقلاب با نیروهای طرفدار گلان سرمایه‌داران و بزرگمالکان ، بین نیروهای انقلابی و طیف نیروهای ضدانقلابی جریان دارد ، آنها را متوجه کنند که از طریق درخواست حقوق حقه خود می‌توانند به پیروان خطامام در حاکمیت کمک کنند ، به آنها توجه دهند که به گفته شهید رحمانی "شما هم باید فریاد بریزید که مستمعان هیچ چیز گیرشان نمانده" است چرا که این "فریاد" خود نیرو است ، نیروی موی بیرون خط نام در حاکمیت است ، البته بشرط اینکه این "فریاد" پاسی مطالبه حقوق حقه همراه با تائید انقلابی در چهارچوب نظم و قانون ، بدون از سرگشته جنجال ارمواض تقویت انقلاب باشد .

تکلیفی که رفقا باید همواره بدان توجه جدی داشته باشند ، این است که خطامام در حاکمیت در شرایط کنونی که نبرد "خطها" با شدت فزاینده‌ای در تمام مرصه‌های زندگی جریان دارد ، بیش از هر وقت دیگر ، احتیاج به پشتیبانی فعال توده‌های میلیونی مستمعان دارد تا بتواند مقاومت ضدانقلاب را بشکند "خط" جریان مخالف راستگرا را مقیم کند ، و حرکت انقلاب را در جهت اهدافی که در قانون اساسی تصریح شده تائید نماید ، بدون حضور فعال توده‌های زحمتکشی در صحنه نبرد یعنی بدون اینکه مطالبات حقه انقلابی خود را به صراحت مطرح کنند ، پشتیبانی فعال توده‌ها از خط امام شهید و طوموس و موتز نخواهد بود . همین یکشنبه گذشته ( ۲۸ شهریور ) اسام خمینیسی مجدداً و برای چندمین بار خطاب به مشرین گفتند که : "شما مردم را برای پشتیبانی از خود لازم دارید ، دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کاری بکند ، وقتی شهیدرحمانی خطاب به مسئولان می‌گفت که مطالبات حقه خود را "فریاد" بریزید ، برای این بود که پشتیبانی عظیم توده‌های میلیونی ضمیمه رادر مقابل با مخالفان در صحنه داشته باشد . جهت‌الاعلام رفسنجانی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفت که توده‌های مردم "اساسی" اند و توضیح داد که منگی به این "اساس" و بنا برقرارداری از پشتیبانی توده‌های مردم است که رهبری می‌تواند عمل کند شهید دکتر بهشتی خطاب به کارگران می‌گفت : "کارگران ، برادران ، خواهران عزیز کارگر شما حق دارید ، خواسته‌های مشروعتان را ، خواسته‌های اساسی‌تان را ، خواسته‌های که نه فقط رفاه اقتصادی می‌آورد ، بلکه رشد سیاسی و کرامت انسانی‌تان را به همراه دارد ، با صراحت کامل با رهبری انقلاب در میان بگذارید ، تشویق توده‌های زحمتکشان ، مستمعان به "فریاد" زدن به طرح صریح خواسته‌های برحق خود از خصمه‌های رهبری پیروان خطامام در حاکمیت است ، زیرا همچنان که گفته‌ام خط انقلابی نیازمند پشتیبانی فعال توده‌ها ، حضور فعال آنها در صحنه نبرد است ، تا بتواند مقاومت مخالفان را بشکند با مقیم کند ، در این جهت باید در حد امکان به نیروهای "خطامامی" کمک کرد نکته اساسی دیگر که همواره باید در نظر داشت و در هیچ شرایطی لحظه‌ای فراموش نکرد این است که هر مبارزاتی در هر زمینه و مقطعی باید با در نظر گرفتن این اصل اساسی و سربراین خط اساسی انجام گیرد که "دشمن اصلی امپریالیست ، امپریالیسم جسورگرایی امریکا است" به همین دلیل ما با مبارزاتی که در جهت لغو گلان سرمایه‌داری و بزرگمالکی انجام می‌گیرد ، موافقم زیرا گلان سرمایه‌داری و بزرگمالکی پایه اقتصادی - اجتماعی امریکا ( امپریالیسم ) هستند ولی در عین حال با هرگونه اعتصاب و کم‌کاری جدا مخالفیم زیرا کار نیست چنین شیوه مبارزاتی باعث تضعیف قدرت انقلابی کشور در سازه ما امپریالیسم است .

خلاصه اینکه در شرایط کنونی که نبرد "خطها" با شدت فزاینده‌ای در همه مرصه‌های جریان دارد ، ما وظیفه داریم که همواره بدون حستگی ، خطامام ، خط ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب را در همه‌جا تقویت کنیم ، همراه با نیروهای سلطان انقلابی راستین برای پیشبرد انقلاب به سوی اهداف خود ( استقلال آزادی و عدالت اجتماعی ) ، برای تحقق مصلی روح و نس قانون اساسی که بیانگر این اهداف است ، با تمام توان خود بکوشیم .

در میان رویدادهای هفته گذشته برگزاری اولین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران که در پایان کار خود قطعه‌های نیز انتشار داد. رویداد کارگری با اهمیت هفت گذشته بود. تشکیل مجمع عمومی انجمنهای اسلامی کارخانجات تهران که با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد نیز از این رو با اهمیت است که برای نخستین بار، سخن باری در قطعه‌ها آن مهم‌ترین خواسته‌های صنفی و سیاسی کارگران مورد تأکید قرار گرفته است.

طبقه کارگر ایرانی که در هفته جنگ نیز با اختتامی پرگروز از درآمد خود به بازسازی مناطق جنگی، علاوه بر تشکیل کمیته‌های ویژه این منظور و تلاش تحسین انگیز برای افزایش تولید که در اغلب کارخانه‌ها تولید را به حد نصاب ظرفیتش رسانید. کارخانه‌ها افزایش داد. ضالمترین نیروی انسانی در بزرگداشت هفته جنگ بود، که در هنگامه نبود "خط‌ها"، در این مرحله سرنوشت ساز انقلاب نیز بلوغ آگاهی سیاسی - صنفی خود را آشکار می‌کند.

درباره نخستین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات، جز یک گزارش کوتاه و انتشار قطعنامه آن آنهم فقط در روزنامه جمهوری اسلامی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی گزارشی انتشار ندادند. از مجمع عمومی انجمنهای اسلامی کارخانجات تهران نیز تنها قطعنامه آن در روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافت. با اینهمه مطالب اندکی که انتشار یافته نشان می‌دهد که کارگران تا چه پایه به نفس خود در دفاع از انقلاب و پشتیبانی از خط‌ماده‌های راسنی و مردمی اسلام صحنه‌های آگاهی دارند. مضامین حقه خود را بدرستی می‌شناسند و برای بدست آوردن آن مبارزیت متشکل و جمعی خود را ارتقا می‌بخشند. قطعنامه‌های منتشره، مهمترین خواسته‌های کارگران و همچنین اعتراض وسیع نمایندگان شوراهای کارگری و انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران را به سیاست کارگرسنیز وزارت کار صنفی می‌کند و این نشان میدهد بخشی است از ترس‌های مبارزه متشکل کارگران و رشد آگاهی انقلابی در نزد طبقه کارگر انقلابی میهنان.

در نخستین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران ( ۲۹ تا ۳۰ شهریور ماه ۶۱ ) نمایندگان کارگران بدرستی به تعاون خط کارگرسنیز وزارت کار از خط امام انگشت گذاشتند. نمایندگان کارگران خواستار آن شدند که خط کارگرسنیز وزارت کار مبارز گردد و خط امام بر وزارت کار و در حال تمام مسائل مربوط به کارگران، ملاحظه قرار گیرد. در قطعنامه اولین کنگره شورای اسلامی کارخانجات استان تهران آمده است:

ما شوراهای اسلامی خواستار آنیم که ثمرات شهید باهنر آیت‌الله بهشتی این مجتهد عظیم‌الشان که از مکتوب ما حمایت‌های ارزانی اسلامی در این زمینه‌هاست در تدوین قانون کار و قوانین اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

( روزنامه جمهوری اسلامی، پنجشنبه اول شهریور ۱۳۶۱ )  
در قطعنامه با پای مجمع عمومی انجمنهای اسلامی کارخانجات تهران نیز همین فرستاده مورد تأکید قرار گرفته است، در این قطعنامه نیز آمده است: انجمنهای اسلامی معتقدند که در تدوین قانون کار جدید باید تقوای عالم و عارف وارسته‌های همچون شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی ... مورد بهره‌برداری قرار گیرد. ( روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۱ شهریور ماه ) نظرات آیت‌الله بهشتی نظرات روشنی است، این نظرات توضیح دهنده بواعض خط امام در جانبداری از محرومان و مستضعفان است و تفسیر بدون حاشیه این اعتقاد است که می‌گوید: کارگران ستون فقرات انقلابند.

آیت‌الله شهید بهشتی معتقد بود: "آثر مزدبگیر و زمینگش جهانیه از دو طریق آشکار می‌شود، یکی آنکه چون ابزار ( کار ) مال خود او نیست و دیگری آنکه تلاش‌هایی که ببرد تولید می‌کند بعداً باید به چندین برابر قیمت بخرد ( مساجد با تشریح تولید سازنده ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ ). خود در سخنرانی دیگری که بنامیت اول ماه مه ایراد کرد و در روزنامه روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ انتشار یافت این نوبت را می‌دهد که: " ما در جامعه آینده امکان استثمار یک انسان بوسیله انسان دیگری را، هرگز باشد و در هر جایگاه باشد هیچ عنوان باقی نخواهیم گذاشت " باین دلیل بود که او در همین سخنرانی خطاب به کارگران می‌گوید: " کارگران عزیز! رهبری انقلاب اسلامی ایران، حزب جمهوری اسلامی همه گروه‌های متشده، بر این نظر متفق هستیم که

کارگر و همه کارگران موسسات صنفی، تولیدی و موسسات تولیدی غیرصنفی باید در همه مسائل اصلی مربوط به تولید، توزیع، قیمت‌گذاری، رسیدگی به بازره و درآمد سهم باشند " و در جای دیگر در دفاع از شوراهای کارگری می‌گوید: " نظر اجتماعی و اقتصادی خود بر این است که شوراهای وکلی شوراهای جدید می‌تواند که در حد آحادی و توانشان بتوانند در اداره کارگاه نقش داشته باشند و در جلساتی از شورای انقلابی که بحث شوراهای مطرح بوده و صورت جلسات آن نوشته شده مگر این مطلب را من گفتم و مگر نظر در محبت و گفتگویی که آنجا بوده، بند، بعضی از دوستان در صفتی قرار داشتیم که معتقد به مخالفت دادن کارکنان یک واحد در اداره آن واحد بودیم " و می‌افزاید: " نیروی رهبری باید متشی باشد بر زمینگش یک جامعه و کارکنان و کارگران یک جامعه " ( جمهوری اسلامی - ۲۸ اسفند ۱۳۵۸ )

پیدا است خط بهشتی - یعنی خط اصل امام که به نابودی سرمایه‌داری می‌انديشد و خواهان برچیدن نظم استعماری است با حداق‌های توکل که آشکارا از سرمایه‌داری دفاع می‌کند و از جانانیت، تفاوت در امکانات و نعمت، سخن می‌گوید، نمی‌تواند جور دربیاید. تفاوت این دو خط است که آگاهی توکل را در برابر کارگران و همه محرومان قرار می‌دهد و بهین دلیل هم خط کارگرسنیز

وزارت کار با تمام تلاش خود درصدد برمی‌آید تا تشکلهای کارگری را در هر شکل چه شوراهای کارگری، چه سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و چه حتی انجمن‌های اسلامی کارخانجات خار و مار کند و زمانی هم که با اعتراض وسیع کارگران روبرو می‌شود با صدور بخشنامه‌های تشکیل شوراهای را به موافقت کارگرسنیز شرط می‌کند و رسماً اعلام می‌کند که تنها با تشکیل شورایی که کارفرمایان سرمایه‌دار پیشنهاد موافقت دارد و موجب این است که بازم میهنان برسند وزارت کار، که چنین کارگران او را بر سران نشانده‌اند، باقی می‌ماند.

در ارتباط با سیاست وزارت کار بود که در کنگره، نماینده شوراهای کارگری منطقه کرخ گفت: " الان وضع بصورتی شده است که شوراهای قانونی را نیز بصورت نمی‌شناسند " و نماینده شوراهای اسلامی خانه کارگر شرق تهران توجه داد که " می‌خواهند شوراهای را به انزوا بکشانند. " نمایندگان فرهنگسازان در نخستین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران در مطالبه با این خط‌ماده‌های وزارت کار و برای حثی کردن توطئه جدیدی که برای نابودی موجودیت و استقلال تشکلهای کارگری از جمله شوراهای اسلامی کارگران طراحی شده است در ماده ۹ قطعنامه خود تأکید کردند که:

" ما شوراهای اسلامی کارخانجات توسط کارکنان انتصابیه و شرط باقی ماندن با کنار رفتن خود را در شو رضایت موکلین خود می‌دانیم، لذا از نظر ما مدیران تنها بعنوان بخشی از کارکنان، هرکدام دارای یکگاری می‌باشند لذا پیشنهاد می‌کنیم برای اعلام رضایت با عدم رضایت کارکنان که تنها شرط کناره‌گیری یا ابقا شوراهای اسلامی می‌تواند باشد در سطح هر کارگاه و کارخانه مجمع عمومی تشکیل گردیده و تکلیف هر شورا را انتصابات جدید کارکنان مشخص نماید "

این ماده از قطعنامه کارگران که می‌گوید استقلال کارگران را در برابر سرمایه‌داران و مدیران وابسته به آنها حفظ کند بیانگر درک عمیق کارگران از ضرورت حفظ موجودیت شوراهای و بهتر از آن تأمین استقلال برای تشکلهای کارگری است.

رفقا اطلاع دارند که طراحان و مدافعان خط کارگرسنیز وزارت کار، برای نسکیم موضوع جریان راستگرا و در جهت تقویت عناصر لبرال و ضد خط امام، تنها به این اکتفا نمی‌کنند که تشکلهای کارگری از جمله شوراهای کارگری را به " انزوا " بکشانند تا راحت دردم بکشند. این خط کارگرسنیز در همین حلقه نمایندگانی متشده شوراهای کارگری و عناصر انقلابی و خط امامی غصبسال در محیط‌های کارگری را با استناد به ماده ۳۳ اجراج و از کار برکنار می‌کند. روند اجراج سازمان یافت کارگران انقلابی، پایتند و متشده به خط مردمی اسلام صحنه‌های کارخانه و مجامع کارگری تا به آنجا است که دو ماده از قطعنامه انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران به مقابله با این امر اختصاص یافته است: " ماده ۱۳ - ما خواستار پایان دادن به اخراج‌های بی‌رویه و ضایع دادن به جو ضدیت با انجمنهای اسلامی بوده و از سلب این می‌خواهیم که عاملین و مسببین این حرکت را که بی‌شک آنگاهانه یا خائفانه به ضدانقلاب خدمت می‌کنند شناسایی و متنبه نمایند.

ماده ۱۴ - وزارت کار با پشتیبی مجامع گمانی باشد که مورد ظلم قرار می‌گیرد و بی‌رونی و با حسرت یک شرف را گرفتن به هر مندر و بهانه‌های غیرمتعارف مزید بهره‌برداری باشد چرا که رسالت وزارت کار عمل به حقوق است، حال این حق نیز هرگز نباید که می‌خواهد و ازین شده باشد. وزارت کار با پشتیبی به حق عمل کند و بهی از این نباید در مآخلف‌های قضائاتی که برانجمنهای اسلامی می‌رود ساختن بماند و سر شایده بر اخراج‌های بی‌رویه فشارد.

حائز توجه به باین گونه در قطعنامه مجمع عمومی انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران انتصابی بافته یکبار دیگر یکی آشدر و امتا و بر ملا می‌سازد که جریان راستگرا که با حربه توده‌ای ستنیزی و فدائیس ستنیزی به میدان می‌آید و با فریاد و استیلا برت بر شیروی سر می‌دهد طبقه توان انقلاب و ضمه نیروهای پیشیمان و بیرو خط‌ماده‌های راستی و مردمی اسلام صحنه‌های است. واقعاتی از این دست که هم‌اکنون در سراسر میهن انقلابی ما جریان دارد، یکبار دیگر اثبات می‌کند که سایطه و مهار تشبیس انقلابی از مخالفت انقلاب ریش و نسج و ظاهر به اسلام و عسک به ایات نمی‌تواند باشد.

همی تجربه اثبات می‌کند، درهم ریختن رر دوستان و دشمنان انقلاب تا چه پایه بسود جریان راستگرای مخالف خط امام است این بی‌پرونده نیست که عناصر وابسته به این جریان تمام کوشش خود را بکار می‌بندند تا کارگران از سخنان برجسته‌ترین سخنگویان خط امام، کنکوشش می‌کنند امریکایی چنانستگار را دشمن اصلی مردمی کنند و در دوستان و دشمنان انقلاب را با انقلاب و ضدانقلاب توضیح دهند بی‌اطلاع نگاهدارند و برعکس با برگزاری سخنرانی‌های گوناگون به ایجاد اشتباه در این زمینه و دور کردن کارگران از اهداف راستین انقلاب و خط امام تلاش می‌کنند.

نمایندگان شوراهای کارگری و انجمن‌های اسلامی کارخانجات، همچنین برای مبارز خط کارگرسنیز وزارت کار در قطعنامه‌های منتشره خاطر نشان کرده‌اند که " با توجه به استقلال قانون مافوقی کار و با تمام رسیدن مدت لایحه شوراهای اسلامی واحدهای خدماتی و صنفی، تلاش موثر این نهاد در شکوفایی اقتصادی کشور از مجلس شورای اسلامی است. ما داریم که هرچه زودتر بلحاظ راهی از بلاتکلیفی واحدها، طرح قانون کار و لایحه شوراهای اسلامی را در مجلس مطرح و تصویب نمایند.

در قطعنامه مجمع عمومی انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران نیز آمده است: " قانون کار فعلی را مافوقی و ضداسلامی دانسته، بولفو مواد ۳۳ و ۳۴ تأکید ( می‌نمایم ) ابتدا همه راه‌ها، تشنه‌های رفد و بنوع آگاهی اخلاقی در نزد طبقه کارگر ایران است. کارگران نظام می‌دهد که چگونه در مسیر شکوفایی

جمهوری اسلامی ایران همچنان پستاز مبارزه با چریاں را استگرای مخالف خط  
امام و پستیهاں بدون تزلزل انقلاات و خط بر فعی اصنام خمینی هستند . وظیفه  
انقلاهی ما است که نیوه مبارزه متسکل کارگراں را برای کسب حقوق حقه عبود و  
ملیه بحالغان و دشمنان انقلاات برای دیگر الظار رخصتگشاں توضیح دهیم و آنها  
را به هدفها و حواستهای که کارگراں پیشرو مطرح می کنند ، آشنا کنیم .

متأسفانه غلبه خط تارگرمه نیز در وزارت کار و تعلل غیرقابل توجیه برخی مسئولان جمهوری اسلامی در تأیید جدی بایرین خط و تعلل در برسمیت شناختن حق تشکیل شورا و اتحادیه صنفی برای کارگران، بعضی از ناراضیانی را بین کارگران پدید آورده است امروز حتی برخی از نمایندگان روشن بین خط امام به این حقیقت واقفند که دست‌هایی در تار بوده است که تشکلهای کارگری را برآکند و انقلاب را از یکی از ارکان آن و بزم ما رکن اصلی آن، محروم سازد.

مشکلات اقتصادی، فشار زندگی، رنج کار، بار محرومیت کارگران همه و همه همچنان باقی است و این درحالی است که وزارت کار و معادل معینی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برخلاف نص صریح قانون اساسی به هیچوجه حاضر نیستند بپذیرند که کارگران حق دارند شورا داشته باشند، سندیکا داشته باشند، متشکل شوند و از منافع خود که منافع انقلاب است، دفاع کنند. این معادل از یک طرف با صراحت تمام، سرمایه‌داران را دعوت و حمایت میکنند که اتحادیه درست کنند و متشکل شوند و از طرف دیگر می‌کوشند جلوی کارگران را بگیرند که متشکل نشوند و برآکنده بمانند. آیا نتیجه این سیاست چیزی جز تشدید ناراضی مردم زحمتکش و تشدید بی‌اعتمادی آنها به مسئولان نیست؟

رفقا باید اهمیت رعایت آزادی‌های سیاسی و صنفی مرحله در قانون اساسی در جلب اعتماد مردم به حاکمیت انقلابی و در تقویت بنیه انقلاب را وسیعاً توضیح دهند و این واقعیت را برای مردم دلتیاً بشناسند که زبان عدم التزام به قانون و زبان صدانداری عناصر راست و فشری و زبان تمکین به خواست ضدانقلاب که تشدید آزادی نیروهای انقلابی است، بیش از پیش متوجه قوت و قدرت مردمی همه نیروهای انقلابی است. دود انحصار سیاسی و تنگ‌نظری، فقط به چشم دگراندیشان نخواهد رفت.

مرحله گذشته - اول سپتامبر - ملیونها دانش آموز، این نسل بالنده آینده ساز، سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. با آغاز سال تحصیلی را به همه آنها و نیز به آموزگاران و دبیران انقلابی متعهدی که وظیفه دار تربیت و تعلیم آنها هستند، تبریک می گوئیم.

امسال روز گشایش مدارس مصادف شد با دومین روز برگزاری مراسم هفته جنگ که چهار آن سرگ، پسر اسرائیل، سرگ پسر اسرائیل بود و دانش آموزان در این مراسم شرکت کردند و در برابر "لانه حاموشی" آمریکا شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سردادند. یک چنین آغاز سال تحصیلی نوین را می توان به فال نیک گرفت. بگذار در تمام سال تحصیلی بانگ مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل در فضای همه مدارس طنین افکن باشد.

آغاز سال تحصیلی با بانگ مرگ بر آمریکا و متحد صهیونیستی او سنای حرکت و لزوم شرکت دانش آموزان و مربیان آنها در سیاست است. این همان فعالیت سیاسی انقلابی، همان فعالیت "منت و سازنده سیاسی" است که شهید باهنر تأکید داشت که "نه تنها ممنوع نیست، بلکه لازم است". اگر کسانی باشند که بخواهند مدرسه را از سیاست جدا کنند، در واقع بهائوگران "جریانی" هستند که با سیاست انقلابی با حرکت دانش آموزان در سیاست انقلابی مخالفت و می خواهند زیر عنوان زدودن سیاست در مدارس، سیاستی را در مدارس نفوذ دهند که مخالف خط امام، مخالف خط ضدامیرالیستی و مردمی انقلاب است. این "جریان مخالف" چنانکه می دانیم، در سال گذشته، در مدارس فعالیت چشمگیری داشت. سنجگویان این "جریان مخالف" با طرح شعارهای انحرافی سعی کردند، آمریکا را "سنسی" کنند. شعار مرگ بر آمریکا را ستفل و تپی از محتوای سیاسی انقلابی گردانند، امسال باید همه نیروهای راستین انقلابی در مدارس، اصم از محصل و معلم، سلطانان سازد بهر خط امام، "تودماغها" و فدائیان (اکثریتی)، دست در دست بگذارند. فعالیت این "جریان مخالف" را طبع کنند و جو سیاسی مدارس را چنان سازند که در آن خط ضدامیرالیستی و مردمی انقلاب شکوفا گردد و شعار مرگ بر آمریکا، در تمام سال، در آن حاکم باشد. مدارس باید بصورت سنگر مستحکم انقلاب برای شکوفایی محتوای ضدامیرالیستی و مردمی آن درآیند.

مدرسه پرورشگاه نسل بالنده ایست که آینده کشور، سازندگی ایرانی مستقل، آزاد و آباد و شکوفا و رشادتی در تمام مرصعهای زندگی برعهده او خواهد بود. این پرورشگاه باید هم از نظر پرورش اخلاقی و هم از نظر آموزش سانی علوم و فنون به نسل بالنده، از عهده وظایف خطیر خود برآید. صفات والای

انسانی، دوستی بی‌شائبه، احترام صحیحانه متقابل، همکاری و کمک متقابل بی‌چشم‌داشت، راستی و درستی ملاحظه‌ی به کار و زحمت و به مسردم رحمتگش، ملاحظه‌ی به ترفی و بی‌طرفت صحیحانه کشور، بلندنظری و از خود گذشته‌گی و وظیفه‌شناسی و دیگر صفات انسانی باید محیط مدارس کشور را آکنده سازد. ایجاد چنین جوی در درج‌هاول برصده آموزگاران و دبیران انقلابی متعهد و نیز برصده دانش‌آموزان آگاه است.

کوشش در فراگرفتن دروس از سوی دانش‌آموزان و آموختن دقیق و دلسوزانه آنها از سوی آموزگاران و دبیران - وظیفه‌ی مهمی است که باید در انجام آن کمترین غفلت و سهل‌انگاری روا نداشته. در این زمینه متأسفانه در سال گذشته، وزارت آموزش و پرورش را نمی‌توان موفق دانست. محصول و کارنامه تحصیلی سال گذشته که در میزان ظلیل قبولی و کثرت مردودها و تجدیدی‌ها منعکس شد، اسفناک بود. مسئولیت وزارت آموزش و پرورش در رفع کمبودهای عینی و نایسانانه‌های ذهنی عظیم است. بخش بزرگی از این کمبودها و نایسانانه‌ها قابل رفع اند و در سال تحصیلی جدید باید رفع گردند. درخواست مجدانه

مکالمه مدارس در رفع آنها مطمئناً موثر خواهد بود.

گروه بزرگی از کودکان به سن تحصیلی رسیده ما، بویژه در روستاها به مدرسه راه ندارند. گروهی نیز در کلاسهای مختلف از مدرسه باز می‌مانند و از ادامه تحصیل محروم می‌گردند. ملل چنین وضع اسفناکی متعهد از جمله کمبود مدرسه، کمبود معلم، فقر، ضرورت کسار نوجوانان برای کمک به خانواده‌های

خود برای کسب اشیای نان و غیره. اینها از ارضیه‌های رژیم متنگر و ضمرورنی گذشته است که باید آنها را بجملاً از بین برد. A کلاس تحصیل سنگینی و اجباریه برای همه نوجوانان کشور باید هذنی باشد که در کوتاه مدت و طویل برنانه متعلق

باید.

گفتنی درباره آموزش و پرورش بسیار است و جای آن در "بولتن" نیست. باز دیگر آغاز سال تحصیلی جدید را به همه دانش‌آموزان و معلمان تبریک می‌گویم و امیدواریم که سال تحصیلی نوین برخلاف سال گذشته سالی برپار باشد.

رفقای عزیز، تاکنون ۲۵ شماره "بولتن هفتگی" منتشر یافته است. هدف از تدوین و انتشار بولتن در نخستین شماره آن اعلام شد. گفته شد که "هدف از انتشار این بولتن کمک به نیروهای سازمان برای تحلیل درست عمده‌ترین مسائل روز و دیدگاه‌های کشور است. بولتن می‌کوشد که رفقای سازمان را در جریان رویدادها و مسائل سیاسی جاری کشور قرار داده و از این طریق انجام مسائل را تسهیل کند و نیروهای سازمان را در انجام درست‌تر وظایف انقلابی‌شان، در دفاع از دستاوردهای انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی یار و مددگار باشد."

ما امیدواریم که بولتن در جهت پیشرفت بسوی این هدف، اگرچه کاملاً، حداقل در حد قابل قبولی موفق بوده باشد. ولی نیازمندی پیشرفت بیشتر و بهتر، بسوی این مقصود و نیز توجه به برخی تحولاتی که در کشور انقلابی ما جریان دارد و در نتیجه فضا برانگیزد، ما را برآن داشت که بدین وسیله از رفقا بخواهیم که اولاً یک ارزیابی کلی از ۲۵ شماره بولتن که تاکنون منتشر یافته، ما ارائه دهند (این ارزیابی می‌تواند فردی یا جمعی باشد) و ثانیاً از این پس برشهایی که درباره مسائل عمده برای آنها مطرح می‌شود و پاسخ به آنها را در بولتن نمی‌یابند برای ما بفرستند، تا ما در ستون ویژه‌ای از بولتن (یا در چند شماره یکبار و یا در هر شماره) به آنها بگونه‌ای مفردی که قابل درج در بولتن باشد، پاسخ دهیم.

البته، برای پیشگیری از هرگونه "گله" یا پشندآوری، باید هم‌اکنون توجه فضا را به این نکته جلب کنیم، که بولتن گنجایش پاسخ به همه پرسشها را جدا بجا ندارد. ما پرسشها را بر حسب موضوع و محتوا دستمندی خواهیم کرد و در ستون ویژه‌ای در هر چند شماره بولتن، یکبار و یا در صورت لزوم و نیاز در هر شماره به آنها پاسخ خواهیم داد. بسوی که رفقا بتوانند پاسخ محتوای پرسشی را که رای آنها مطرح شده، دریافت دارند.

بدینسان تقاضای ما از رفقا یکی اینست که نظر کلی خود را نسبت به بولتن و نیز اگر پیشنهاداتی برای بهبود کیفیت آن دارند، به ما ارائه دهند و دیگر نیست که پرسشهایی که احیاناً نسبت به مسائل مهم (در هر زمینه، ویژه سیاسی) برای آنها مطرح می‌شود، با ما در میان بگذارند.

اکنون ایجاد جنایت هولناکی که آدمکشان صهیونیست و فالانژیست در اردوگاههای صبرا و شتیلا مرتکب شدند بیش از پیش آشکار می گردد. بنا به گزارش هلال احمر فلسطین نیروهای رژیم صهیونیست اسرائیل و شبه نظامیان فالانژیست متحد آنها پس از حمله به صبرا و شتیلا و قتل عام تعداد زیادی از ساکنان آنجا مردان ، زنان و کودکان را که زنده مانده بودند جمع آوری کرده و بروی آنها آتش گشودند. حتی دو خبرنگار امریکایی که از اردوگاهها بازدید بعمل آوردند اضرار داشتند بسیاری از قربانیان در اردوگاهها پیش از مری به شدت شکنجه شده بودند آخرین اخبار مربوط به این قتل عام وحشیانه نکات تکان دهنده جدیدی را افشا ساخت . بگین ، شارون و دیگر سران جنایتکار رژیم صهیونیستی اسرائیل بهبوده کوشیدند پای خود را کنار بکشند . اکنون فاش شده است که این جنایت در جلسه کابینه اسرائیل تحت ریاست بگین طرح برزی شده است . درست همان روزی که قتل عام در اردوگاههای صبرا و شتیلا آغاز شد ژنرال اریطان رئیس کل ستاد ارتش اسرائیل اضرار نمود " حالا ما آنچه را باید نابود شود نابود خواهیم کرد " یک روز قبل از آن شارون نیرویست جلاد اعلام نمود : " پانته مانده چریکیا در نظر دارند تجدید سازمان داده و پس از تور در پسر صحران از ورود ارتش لبنان به غرب بیروت جلوگیری کنند ورود ما به منطقه مذکور از این امر جلوگیری کرد " داروخته فاشیست حاکم بر اسرائیل برای نابودی زنان و کودکان و پسران غیر مسلح فلسطینی دسته بزرگی از کاندوهای اسرائیلی را با هواپیمای به غرب بیروت فرستادند و از آنجا با ۳۰ اتوبوس وارد اردوگاه شتیلا شدند . قاتلان صهیونیست به زنان و کودکان حمله کرده گوی آنها را می پریدند و هر جنینهای را با گلوله از پای در می آوردند . جانباں به خاطر آنکه آثار جنایت هولناکشان را از بین ببرند قربانیان گشتار را زیر آواری از خانهای پناهندگان که با بمبوز بروی آنها خراب کردند مدفون ساختند قربانیان جنایت خونین اسرائیل سر به ۲۰۰۰ نفر می زند . آدمکشان اسرائیلی به همان شیوهایی متوسل شده اند که زمانی تازیها علیه دیگر طنحها و بویژه یهودیان دست زدند . رژیم صهیونیست اسرائیل با گشتار فلسطینیان در لبنان به سیاست نژادگشی ایجاد بی سابقهای یاد

البته آنها در ارتکاب این جنایت تکان دهنده بهیچوجه تنها نبودند . امریکا مستقیما شریک جنایت است . فیالمب حسب فرستاده ریگان به طور صریح از طرف امریکا تمهید کرده بود که پس از خروج رزمندگان از بیروت امنیت اردوگاههای اوارگان فلسطین را تضمین کند . رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد " با نیروهای حافظ صلح توافق شده بود و استادان موجود است که پس از خروج ما ، آنها وارد بیروت غربی نخواهند شد و امریکا ، فرانسه و ایتالیا تمهید کردند از امنیت اردوگاهها حفاظت کنند " با سرمرقات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین تاکید کرد : " این دولت امریکاست که

مسئول آنچه در غرب بیروت می گذرد می باشد " بحسب نیست که ریگان وقتی هم که ناچار شد این جنایت عظیم را محکوم سازد هیچ نامی از طراح و مجری اصلی آن نبرد .

قتل عام هولناک صبرا و شتیلا در سرتاسر جهان خشم و انزجار مملوئتها نعر را برانگیخته است . : وجدان جهانیان از این جنایت عظیم تکان خورده است لغراب ساکن مناطق ریفالی به دعوت سازمان آزادیبخش فلسطین به بزرگترین اعتصاب و تظاهرات پرداختند که طیرقم سرکوب وحشیانه نیروهای اسرائیلی همچنان ادامه دارد . کارگران اردنی به یک اعتصاب نیم ساعت دست زدند در خود اسرائیل طرفداران جنبش صلح اکنون تظاهرات اعتراض آمیزی برپا کردند . در دیگر کشورهای عربی نیز اعتراضات گستردهای صورت گرفت . در ایتالیا مایلونها کارگر به دعوت سندیکاها و احزاب سیاسی عربی این کلیه با یک اعتصاب یک ساعته خشم و اعتراض خود را نشان دادند . سندیکای کارگران فرودگاههای این کشور املا کرده است که از روز جمعه به مدت ۸ روز خطوط هوایی اسرائیل را تحریم می کنند . در پاریس دهها هزار نفر به خیابانها ریختند و فریاد اعتراض سردادند . آنها ریگان و بگین را سبب اصلی جنایت اعلام کرده و خواهان خروج اضالگران صهیونیست از لبنان شدند . روزنامه طلی نامهای به مرقاته همبستگی کامل و همدردی دوستانه حرب کونیست فرانسه را با فلسطینیها ابراز داشت . در یونان راهپیمایی گسترده به دعوت ندراسیون کل کارگری این کشور برگزار شد . در کشورهای سوسیالیسی و توسط رژیم های



ضد امپریالیست جهان : جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل و ضدان  
فالنزیست آنها قویا محکوم شد. و همسگی رزمنده خلفهای این کشورها با  
خلق فلسطین و رهبران آن مجددا مورد تاکید قرار گرفت. شورای کل مرکزی  
انجمنهای شوروی طی اعلامیه رسمی از طرف ۱۳۵ میلیون مصو کشتار خونین  
در بیروت را شدیداً محکوم کرد. شورای مرکزی اتحادیههای افغانستان نیز ضمن  
محکوم کردن شدید جنایتکاران حزبستار اخراج اسرائیل از سازمان ملل متحد.  
تظاهرات وسیع اعتراضی به قتل عام بیروت در اغلب کشورهای جهان برگزار  
می شود. بسیاری از دولتها و شخصتهای سیاسی بر افعال سحاورین را محکوم  
کردند. ابراهیم ذکریا دبیرکل. مدراسون جهانی اتحادیهها خواستار قطع

قتل عام مردم در لبنان؛ مجازات متجاوزین و حامیان آنها شد. مدلی گاسترو  
رهبر کوبا و رئیس کنونی جنبش غیرمتصدها در نامه ای به حاورین و کونکولار  
دبیرکل سازمان ملل متحد. ضمن محکوم کردن شدید متجاوزگران اظهار نمود :  
" باید دستکم یک مجازات سیاسی و معنوی برای عاملان جنایت بیروت به  
خمسایر جنایاتشان علیه انسانیت به اجرا در آورید همانطور که جنایتکاران  
نورمیری به خاطر همین جنایات معاکمه و بدار آورخته شدند " کاسرو همچونین  
خواهان تشکیل توری اجلاس عمومی سازمان ملل متحد برای رسیدگی به فاجعه  
شد.

دهها رهبر سیاسی و مذهبی دیگر. حواء در کشورهای سوسیالیستی و  
ضد امپریالیست و حواء در کشورهای سرمایه داری و از جمله اروپا و ژاپن این  
جنایت هولناک در اردوگاههای فلسطین را قیداً محکوم کردند. متجاوزین  
صهیونیست در مقابل آنچهان موج نیرومندی از حشم و انزجار در سرتاسر جهان  
قرار گرفتند که تاکنون سابقه نداشته است. رمایی بود که آنها می توانستند  
فاجعه ای در برابری و کفر قاسم را بوجود آورند و بارتاب وحشتگری آنها به  
زخم تاز حصار کشورهای غرب منطقه تجاوز کند. ولی اکنون صل از آنکه حامی  
ایجاد جنایت آشکار گردد مرید اعتراض از دورترین نقطه جهان علیه  
صهیونیستها و جنایات آنها بلند است. حتی امپریالیسم عبری نیز دیگر  
نی نوات بسادگی پروی چنین فحاشی می پوش گذارد.

آنچه در ... و شتلا رح داد. مکمل جنایاتی است که اسرائیل پیش از  
آن مرتکب شده است. کشتار بیرحمانه غیر نظامیان تنها می تواند بیانگر  
ذالتی باشد که مسبین آن را به انروای بازم بیشتر خواهد گسند. متجاوزگران  
که با نیروی ۱۴۰ هزار نفری خود نتوانستند مقاومت چند هزار رزمنده فلسطینی  
و لبنانی را فرهم شکنند. اکنون بردلانه از رمان و کودگان آنها انتقام  
می گیرند. تا شاید با ایهاد رعب و وحشت فلسطینی را به تسلیم وادارند. تظاهرات  
رزجیویانه فلسطینیان ساکن در مناطق اشغالی که زیر سر نیزه دشمن در حالیکه  
برجم فلسطین را برافراشته بودند. و عکسهای عزفات را حمل می کردند برگزار  
شد شت محکی بر دهن اشغالگران بود.

همه انسانهای شرافتمند در سرتاسر جهان این جنایت را نه تنها علیه خلق  
فلسطین بلکه علیه کل بشریت می دانند. صهیونتها بر خواستار مجازات عاملین  
کشتار بیرحمانه فلسطینیان در لبنان هستند. اکنون شرایطی بوجود آمده است  
که حامیان و دوستان رژیم صهیونیستی اسرائیل هم قادر نیستند براحتی از آن  
دفاع کنند. باید فشار را از همه سو متوجه امریکا. حامی اصلی اسرائیل صاحب  
لئونید برنرف رهبر شوروی در بیاضی به ریگان رئیس جمهور امریکا. امریکا را  
در این جنایت مسئول دانست. وی در عین حال طلب نمود که امریکا نیز  
برای مهار کردن اسرائیل و وادار کردن این کشور به تسلیم از مصلحتهای سازمان  
ملل متحد اقدام کند. قطعاً حکومت ریگان به این پیام پاسخ منفی خواهد داد  
و یگبار دیگر نشان می دهد که جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل در لبنان چیزی  
جز پیاده کردن اهداف جنگ طلبانه و تجاوزگرانه و توسعه طلبانه امریکا نیست که  
در راه حفظ منافع فارتگرانه خود در راه سرکوب خلفهای منطقه تلاش می کند  
جنایاتی که رژیم صهیونیستی اسرائیل و متحدان فالانزیست آن با تنویق و  
حمایت امپریالیسم امریکا در لبنان مرتکب شدند اکنون جنایات تازه ای را علیه  
صهیونیسم و امپریالیسم بازگشوده است. نفرت خلفهای سراسر جهان علیه  
جنایات امپریالیسم امریکا و صهیونیسم. آگاهی فزاینده خلفهای سراسر جهان  
را نسبت به ماهیت ددمنشانه و ضد بشری امپریالیسم و صهیونیسم منعکس می کند  
و بدون تردید موجب اعتلای این مبارزات. آنچنانکه امروز پیداست حتی در  
خانه خود/ امپریالیستها و صهیونیستها خواهد شد. جنایتکاران با هر جنایاتی  
بیشتر در منجلاب فرو می روند. همسنگی رزجیویانه خلفهای سراسر جهان با  
خلق لهرمان و رزمنده فلسطین که زیر رهبری خردمندان سازمان آزادی بخش  
فلسطین و رژیم صهیونیستی اسرائیل و حامی آن امپریالیسم سرگردگی امریکای  
جنایتکار را هر روز بیشتر از روز پیش در بن بست قرار می دهد رهبری سازمان  
آزادی بخش فلسطین را برای احقاق حقوق خلق فلسطین توانمندتر می سازد.  
وصیه است نیروهای ترقیخواه. ضد امپریالیست و انقلابی جهان است که در راه  
بروزی خلق فلسطین این همسنگی رزجیویانه را تحکیم کنند و استوارتر سازند.

روز ۲۱ شهریور تظاهرات دستجمعی زحمتکشان، سراسر انگلستان را فراگرفت  
تظاهرات و اعتصابات بویژه در اسکاتلند، اولستر و در شمال انگلستان ویژگی  
و شدت بیشتری داشت. زیرا در این نواحی مردم بیشتر از دیگر نواحی کشور از  
شدت بیگاری و پیماندهای دیگر سیاست ضد مردمی دولت محافظهکار مارگارت تاچر  
بر مضیقه هستند این تظاهرات بنا به دعوت کنگره اتحادیههای سراسری  
انگلستان علیه سیاست ضد مردمی دولت محافظهکار تاجر برپا شد.

چند روز قبل نمایندگان اتحادیههای انگلستان در برایتون گرد آمدند تا  
اعتراضات و مخالفتهای خود را علیه سیاست ضد مردمی دولت مارگارت تاچر  
شاهنگ سازند. این اقدام بویژه از آن جهت صورت گرفت که دولت  
محافظهکاران نسبت به خواستهای برون و عادلانه شرکت کنندگان در انتخابات  
امتناسی نمی کند و به سیاست ضد مردمی خود در زمینه افزایش هزینههای  
تسلیماتی و کاهش میزان بودجه خدمات بهداشتی و رفاهی ادامه می دهد.

شرکت کنندگان در کنگره اتحادیهها در برایتون ضمن اعلام مخالفت با  
استمرار روشهای بالدار در خاک انگلستان بر ضرورت انحلال پارکامهای  
هستای در خاک انگلیس تاکید کردند و خواستار ایجاد منطقه شهرهستای  
در اروپا شدند. همچنین شرکت کنندگان در کنگره روز ۲۱ شهریور را روز صلح به  
پشتیبانی از خواستهای کارمندان پزشکی درباره افزایش دستمزد و اعتبارات  
لازم برای رفع نیازمندیهای بهداشتی اعلام کردند و از زحمتکشان کشور دعوت  
کردند که در این روز به تظاهرات علیه سیاستهای ضد مردمی دولت محافظهکار  
تاچر بپردازند. در پاسخ به این دعوت و برای اعلام حمایت از تصمیم  
اتخاذ شده در کنگره اتحادیههای سراسری انگلستان، زحمتکشان این کشور در  
تظاهرات روز ۲۱ شهریور شرکت کردند تا بار دیگر مخالفت خود را با  
سیاستهای ضد مردمی دولت تاجر ابراز دارند.

## پروایون دیدار خانم گاندی از اتحاد شوروی

روز دوشنبه ۲۹ شهریور خانم ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هندوستان به منظور انجام یک دیدار رسمی از اتحاد شوروی وارد مسکو شد.

خانم گاندی به هنگام اقامت خود در مسکو با دولتمردان اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد همانطور که انتظار می‌رفت دیدار رهبران اتحاد شوروی و هند این بار نیز مانند دیدارهای قبلی شرایط و امکانات بیشتری برای بهبود روابط میان دو کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی و افزایش همکاری بیشتر در صحنه بین‌المللی را فراهم ساخت.

به هنگام ملاقات خانم گاندی نخست‌وزیر هندوستان با لئونید برزنف رهبر اتحاد شوروی، رهبران دو کشور ضمن ابراز رضایت از پیشرفت عملی مفاد موافقت‌نامه‌های قبلی در رشته‌های گوناگون

فصلت اقتصادی و همکاری در زمینه مسائل بین‌المللی اظهار داشتند که :

" قصد دارند در آینده نیز همکاری میان دو کشور را تحکیم نموده و  
فصلت‌های مشترک بین هند و شوروی را در صحنه بین‌المللی توسعه دهند  
لئونید برزنتس و خانم گاندی ضمن تأکید بر اینکه " امروزه چیزی بهتر از دفاع  
از صلح و تشنج‌زدایی وجود ندارد " تجايل مشترک خود را به " آرزوی بریدن  
گانوین‌های موجود متشیخ و جلوگیری از پیدایش گانوین‌های جدید آن در آسیا "  
اعلام و شراستار " حل و فصل مناقشات بین‌المللی از طریق مذاکره و تبدیل  
اتحادیوس هند به منطقه صلح " شدند . در این مذاکرات همچنین تجايل اسرائیل  
به لبنان و حقوق خلق فلسطین و مسئله فلسطین مطرح شد .  
که از پشتیبانی کامل آمریکا برخوردار است " محکوم گردید و طرفین اعلام  
کردند که " حل و فصل مناقشات منطقه فلسطین فقط با شرکت طرفین ذی‌نفع  
از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق عرب فلسطین  
امکان‌پذیر می‌باشد " مذاکرات رهبران اتحاد شوروی و هند در مسکو پس از  
انضای اعلامیه مشترک پایان یافت .

خانم گاندی پس از دیدار و انجام مذاکرات با لئونید برزنتس رهبر اتحاد  
شوروی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد . در این مصاحبه خانم گاندی ضمن  
تأکید بر اهمیت و لزوم گسترش روابط اتحاد شوروی و هند و عقد موافقت‌نامه‌های  
جدید اظهار داشت : همانطور که اتحاد شوروی " در دوران سخت به ما کمک کرد "  
عقد قراردادهای اقتصادی جدید نیز " تحرک بزرگی برای برنامه‌های رشد و  
پیشرفت هندوستان " خواهد بود . خانم گاندی همچنین اظهار داشت :

" مناسبات میان شوروی و هند یک عامل وزن در تأمین صلح در سراسر  
جهان است " نخست‌وزیر هندوستان همچنین اظهار امیدواری کرد که سفر وی  
به اتحاد شوروی همانطور که سفر رهبران شوروی به هندوستان " موجب تحکیم  
صلح و دوستی میان دو کشور بوده است ، سپس در این راه داشته باشد "

مناسبات میان اتحاد شوروی و هند نمونه بارز آن است که همکاری میان  
کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف در صورتی که روابط آن  
کشورها بر مبنای حقوق برابر ، تأمین حقوق معادل و محترم نمودن حق حاکمیت  
و استقلال یکدیگر باشد . تا چه اندازه ممکن است و می‌تواند شریک‌ش و استوار  
باشد . این روابط همچنین تأکیدی است بر درستی ، صحت و لزوم برقرار ساختن  
و تحکیم و گسترش مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای عضو جنبش  
میرتصدها برای مبارزه در راه امنیت بین‌المللی و آزادی و استقلال ملت‌ها ،  
روابطی که صحت و سودمندی آن را تاریخ بی‌شائبه رسانده است .